یادداشت

برندسازی شخصی حرفه‌ای برای مهندسان ساختمان

سهیل آل‌رسول*

● بازار ساختمان، یکی از پنج بازار عمده در سطح اقتصاد است که همیشه از اهمیت و اعتبار ویژه‌ای برخوردار بوده است. مهندسان ساختمان در بخش‌های طراحی و اجرا و رسته‌های مختلف از جمله بازیگران مهم این بازار هستند. هر مهندس در هر یک از زمینه‌های پیش‌گفته می‌تواند با ایجاد برند شخصی نسبت به ایجاد کمپینی از بازاریابی قوی و منسجم برای خود اقدام کند و در بازار پرهیاهوی مهندسی ساختمان ویژگی‌های متمایز خود را در معرض دید و انتخاب مشتریان قرار دهد. در حوزه مهندسی ایجاد برند شخصی به دلیل فشردگی و رقابت بالا، حضور بازیگران شرکتی بزرگ و تاثیر عوامل جنبی اثرگذار از برندسازی در بسیاری از مشاغل و حرفه‌ها مانند وکالت، پزشکی، کارهای هنری و... پیچیده‌تر است. بنابراین، در صورت ایجاد برند شخصی موفق، بهره‌گیری از آن به دلیل حجم و اهمیت بازار اثرگذاری بیشتری خواهد داشت.

صنعت ساختمان بازیگران شناخته‌شده‌ای دارد و در تمام دنیا به‌لحاظ سهم سرمایه‌های درگیر و تعداد حرفه‌های وابسته، ازجمله مهم‌ترین بازارهای مورد توجه بوده است. در این میان مهندسان در حوزه طرح و اجرا از مهم‌ترین ارکان این صنعت به‌شمار می‌آیند. در این میان برخی از مهندسان در رسته‌های خود اهمیت برندسازی شخصی را جدی‌تر گرفته‌اند و برخی در کوران رقابت یا در سایه شرکت‌های بزرگ مشاور، پیمانکار و سرمایه‌گذار همچنان گمنام باقی مانده‌اند. برنامه‌ریزی راهبردی برای برندسازی شخصی یا ارتقای جایگاه راهبردی برند شخصی می‌تواند از جمله مهم‌ترین برنامه‌های مهندسی در حوزه صنعت ساخت‌وساز باشد، به‌نحوی‌که مشتریان در حوزه خدمات مربوطه، اعم از مشتریان حقیقی و شرکت‌های سازنده یا تخصصی حوزه صنعت احداث با ارزیابی کمی و کیفی مهندسان به انتخاب ایشان در این حوزه مبادرت می‌ورزند و پرواضح است که در این فرایند در صورت ایجاد تمایزی پایدار که به نحو مطلوب شناسایی لازم روی آن انجام پذیرد، موفقیت مهندس را تضمین خواهد کرد.

● **برندسازی شخصی:** تام پیترز با شیوه جدید تفکر مدیریتی که متأثر از انرژی، ایده‌های خود، سبک و نفوذ را ایجاد کرد، به‌عنوان معمار شرکت‌های پست‌مدرن شناخته شد. مقاله وی با عنوان «برند به نام شما» در سال ۲۰۰۰ مفهوم بنیادین برند شخصی را ایجاد کرد که جایگاه وی را به‌عنوان متفکری بین‌المللی در عرصه تجارت تثبیت کرد.

● **برنامه راهبردی شخصی:** بسیار بیش از اینکه به صورت فردی و از منظر برندسازی فردی مورد توجه باشد، از منظر توسعه منابع انسانی در سازمان‌ها مطالعه شده است. به‌عبارتی در اغلب مطالعات نگاه اصلی به توسعه فردی و فرایند برنامه‌ریزی آن از خاستگاه برنامه‌های عملیاتی یا اهداف راهبردی در واحدهای منابع انسانی سازمان‌ها مطرح شده، به نحوی‌که عملا گام‌بندی این برنامه هرچند به منظور ارتقای شخصی طرح شده، ولی هدف نهایی آن اهداف سازمان بوده است.

بنا بر آنچه گفته شد و بر اساس فضای پررقابتی که از حوزه صنعت ساخت‌وساز ترسیم شده، اهمیت برندسازی شخصی به‌عنوان ایده‌ای مهم به منظور شناخته‌شدن مزیت نسبی رقابتی و البته پایدار فردی مطرح می‌شود. ازاین‌رو، یک مهندس (برای نمونه در استان تهران که افزون بر ۱۴۰ هزار مهندس عضو سازمان نظام مهندسی هستند) گریزی ندارد غیر از اینکه به صورت مدون و با برنامه، امنیت شغلی و موفقیت فردی خویش را تضمین کند. بدون‌شک توسعه برند فردی در شرکت‌های مهندسی نیز به‌لحاظ ارتقای جایگاه منابع انسانی شرکت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های شرکت‌ها، به‌ویژه در شرکت‌های مهندس مشاور و دانش‌بنیان بسیار مؤثر خواهد بود. ارتقای برند حرفه مهندسان می‌تواند شامل مراحل پیچیده‌ای باشد، اما اصول بسیار ساده‌ای دارد که با پرداختن به مقدمات آن نیز می‌توان در این عرصه گام‌های مؤثری برداشت. کافی است مهندسان با تمرکز بر حوزه صلاحیت‌های فردی و جایگاه خود به‌عنوان یک عنصر از سیستم سازمان خود، ارتقای جدی و توانمندی‌ها را هدف‌گذاری کنند. تدوین هدف‌های مشخص، شفاف و دست‌یافتنی با گام‌های عملی از مهم‌ترین اجزای این برنامه توانمندسازی فردی است. هر فرد، اعم از جایگاه شغلی یا گرایش تخصصی باید برنامه راهبردی فردی نیز داشته باشد تا در نتیجه‌گیری از تلاش‌های فردی خود به نتایج مورد انتظار و پیش‌بینی‌پذیر دست یابد. آنچه در یک برنامه جامع و راهبردی از هرچیزی مهم‌تر است، کمک‌کردن این برنامه به تشخیص بهترین زمان و اولویت‌بندی به‌کارگیری استعدادهای فردی است به‌نحوی‌که بدانیم در هر زمان باید کجای زندگی خود سرمایه‌گذاری بیشتری کنیم. در پایان و با تکیه بر آنچه مقدمات آن در این فرصت کوتاه بیان شد، باید اذعان کرد شناسایی مزیت‌های پایدار فردی و به‌نمایش‌گذاشتن آن در عرصه حرفه‌ای برای مهندسان اهمیت ویژه‌ای یافته که بی‌تردید باید برای آن برنامه‌ای جدی داشت تا در کوران رقابت‌های تحمیل‌شده ناشی از برخی سیاست‌های نسنجیده آموزش عالی در سنوات گذشته، روابط و بی‌عدالتی بر شایستگی و کارآمدی برتری نیابد.

*دکترای مدیریت استراتژیک

آقایان در دولت قبل ده‌ها میلیارد دلار ضرر زدند

ادامه از صفحه۵

شما نسبتتان را با جنوبی‌ها نگفتید، شما نماینده اهوازی‌ها در تهران هستید یا نماینده تهرانی‌ها در اهواز؟

بنده در وهله اول نماینده آقای زنگنه هستم و پس از آن هم نماینده همکاران جنوبی هستم و با صمیمیت خاصی با آنها کار انجام می‌دهیم.

درخصوص قراردادهای IPC، یک‌سری مخالفت‌ها هم از سوی جنوبی‌ها صورت گرفت و بسیاری از گزارش‌هایی که در تهران مخالفان دولت مطرح می‌کردند، متن کارشناسی آن را جنوبی‌ها نوشته بودند.

خیر، تمام کارشناسان نبودند، تعدادی از آنها بودند که بعدا هم رفتند دنبال یک الگوی قراردادی.

خب این قراردادها به نوعی سیستم ملوک‌الطوایفی در نفت به حساب نمی‌آید؟ اگر قرار است قرارداد IPC را ببندیم، پس مدل اهواز در این بین چیست؟

خیر این‌گونه نیست، همان‌گونه که روی IPC اصلاحاتی انجام شد، درخصوص این مدل اهواز نیز در چند جلسه با آقای وزیر و هیئت‌مدیره شرکت بحث و بررسی شد تا مورد توافق قرار گرفت و آقای وزیر گفتند از طرف خودشان و هیئت‌مدیره مجاز هستید در یک چارچوب نهایی کنید که ابلاغ شد تا کارها انجام شود.

چرا مدل تهران را دنبال نکردید؟

همان‌طور که شما گفتید تعدادی از کارشناسان که در جنوب بودند، مخالفت‌هایی را انجام می‌دادند و آقای وزیر گفتند اگر فکر می‌کنند مدل آنها برتری دارد، با همان مدل کار را شروع کنند.

خب چرا مدل اهواز برای کل کشور توصیه نشد؟

بستگی به شرکت‌هایی داشت که متقاضی بودند؛ آنها انتخاب می‌کردند.

فکر می‌کنید مدل شما موفق می‌شود؟

بله فکر می‌کنم موفق شود.

امکان تحقق آن نسبت به مدل‌های IPC بیشتر است؟

برخی از شرکت‌ها که صحبت کردیم، قبول کردند.

بنده با چندین شرکت داخلی که صحبت کردم، گفتند مدل شما از مدل قرارداد تهران سخت‌گیرانه‌تر است، خصوصا روی MDP و همین موضوع باعث می‌شود که جذابیت قرارداد شما کمتر شود.

بله قرارداد ما سخت‌گیرانه‌تر است، به‌خصوص در MDP، اما فکر نمی‌کنم مانع اجرای قرارداد شود. مثلا با آقای دلپریش مشاور آقای دکتر منوچهری که صحبت می‌کردیم، ایشان گفتند شرکت‌های خارجی از نظرات کارشناسان شما برای MDP بسیار استقبال کردند.

به هر جهت شما نسبت به MDP سخت‌گیرانه‌تر هستید؛ به گونه‌ای که MDP شرکت بهره‌بردار شما هر سال باید به امضای کارفرما برسد ولی مدل IPC آسان‌تر برخورد می‌کند.

بله دقیقا.

شما زودتر قرارداد می‌بندید یا تهران؟ (مصاحبه قبل از امضای قرارداد فاز ۱۱ انجام شده است)

از ابتدا مدل تهران از ما جلوتر بود؛ همایش گذاشتند و شرکت‌های خارجی آمدند و از ما جلوتر هستند.

یک نظر بدبینانه می‌گوید که آقای زنگنه با مدل اهواز، اهوازی‌ها را سر کار گذاشته است.

خیر به‌هیچ‌عنوان این‌گونه نیست، بنده با قاطعیت می‌گویم که آقای مهندس زنگنه گفتند که من به شما قول می‌دهم اگر این چهار میدان را شما به قرارداد برسانید، ما سایر میادین را نیز به شما واگذار می‌کنیم. اگر موضوع سرکارگذاشتن بود، اولا آنها نمی‌آمدند این چهار میدان را واگذار کنند و ثانیا نمی‌گفتند که اگر این میادین را واگذار کنید سایر میادین نیز به شما واگذار می‌شود.

خب خیلی‌ها معتقدند که مدل قراردادی جنوب به سرانجام نمی‌رسد.

خیر چنین نیست و مطمئن باشید که ما با تمام قوا به دنبال این هستیم که قراردادها منعقد شوند.

چرا اولین تفاهم‌نامه‌تان با شرکت‌های ضعیف امضا شد؟ پرگَس چه بود؟

پرگَس کنسرسیوم است که شرکت‌های زیرمجموعه دارد.

همه آنها شرکت‌های خدمات‌دهنده هستند؟

خیر، ولی شرکت‌های قوی دیگری هم در کنار آنها بودند. آن شروع ما بود و ضعیف نبود و در کنار آن هم BP با ما در حال مکاتبه بودیم و هستیم و قرار است هم بیاید... .

بعد قرار شده با شلمبرژر در دوبی قرارداد ببندید؟

چه فرقی می‌کند. اگر نرویم خود تو می‌گویی که این جنوبی‌ها چقدر سختگیر هستند که تا دوبی هم نرفتند.... بعد این برای مذاکره است، نه قرارداد.

ولی اهواز که منتقد قرارداد با توتال و استات‌اویل و شل بود، حالا خودش به پرگس برسد صورت جالبی ندارد.

خیر، ان‌شاءالله می‌بینید که شرکت‌های قوی‌تری نیز خواهند آمد، داخلی‌ها که خوب استقبال کردند. هم پرشیا آمده، هم خاتم و هم مپنا. قرار هم شده که سرمایه و تکنولوژی خوب بیاورند.

قبول دارید تفکری که با سرمایه‌گذاری و توسعه زاویه داشت در ۳۰ سال گذشته اهواز را ضعیف کرد؟

متأسفانه، به دلیل آنکه در دوره‌ای افرادی در رأس وزارت نفت قرار گرفتند که اصلا نمی‌فهمیدند نفت یعنی چه، با تصمیمات غلطشان ضربات بسیار بدی به مناطق نفتی زدند. شاید بعدها که رفتند متوجه شدند که چه ضربه‌ای به نفت وارد کردند، وزیری که یک‌شبه ۲۵۲ مدیر ارشد را یا بازنشسته می‌کند یا برکنار به نظرتان این ضربه نیست؟ این مدل آدم‌ها باعث تضعیف توسعه در مناطق و اهواز شدند، نه بچه‌های جنوب.

دوره آقای میرکاظمی، در وزارت نفت تنها دو سال بود. ما درمورد ۳۰ سال صحبت می‌کنیم.

به قول یکی از کسانی که قبلا مسئولیت بالایی هم در وزارت نفت داشت و درحال‌حاضر در دولت یازدهم هم حضور دارد، در ۲۲ ماهی که آقای میرکاظمی وزیر نفت بودند، علاوه بر آنکه ۲۵۰ مدیر و کارشناس را برکنار کردند، ده‌ها میلیارد دلار خسارت به نفت وارد شد که ده‌هاسال دیگر هم اگر بهترین مدیران کشور را به‌عنوان وزیر نفت انتخاب کنند، قابل جبران نیست و این عین واقعیت است.

اگر بخواهیم تفکر جنوبی‌ها را در ۳۰ سال گذشته بررسی کنیم، به نظر شما تفکری توسعه‌گراست یا ضد توسعه؟

قطعا ضد توسعه نیست و بستگی به اختیاراتی دارد که به آنها داده می‌شد.

مگر جنوبی‌ها در نفت به قدرت نرسیدند، آقای جشن‌ساز و نوذری از نمایندگان جنوب بودند که هم مدیرعامل و هم وزیر شدند، ولی ما هیچ جهشی در تولید نداشتیم و نهایتا همان تولید آقای زنگنه را حفظ کردند. درست است که حفظ تولید کار بزرگی است و ما سالانه ۱۰ درصد افت تولید داریم، اما خیلی هم هنر نیست. ضمن اینکه کشور در آن دوره از نظر مالی در بهترین سال‌های خود بود.

ما چیزی در حدود ۳۰۰ هزار بشکه سالانه افت داریم که با سه فاکتور اینها را جبران می‌کنیم؛ چاه‌های جدید، چاه‌های تعمیری و کارهای ترمیمی که ما انجام می‌دهیم. این کار سختی است و همان ۳۰۰ هزار بشکه‌ای که در دوران آقای میرکاظمی افت داشتیم، به دلیل این بود که چنین کارهایی صورت نگرفته بود و کارهای جدید دیگر نیز صورت نگرفت. تمام اختیارات را در زمان آقای میرکاظمی از نیروهای فنی گرفتند؛ به‌عنوان‌مثال یک روز صبح بنده آمدم سر کار و گفتند که آقای میرکاظمی شما را دیشب بازنشسته کرده است، به دلیل آنکه بنده با ایشان درگیر بودم. گفته بودند از ۷۰۰ پروژه‌ای که ما در دست داشتیم فقط به ۱۱۱ پروژه بودجه می‌دهیم که صدای اعتراض ما درآمد و به تهران رفتیم و گفتیم که این ۱۱۱ پروژه‌ای که شما اعلام کردید، بیش از ۵۰ پروژه از آن در مناقصه یا در دست مشاوره است و کارهای ابتدایی آن در حال انجام است یا به‌تازگی شروع به کار کرده‌اند، اما ما پروژه‌های دیگری داریم که از ۷۰ الی ۸۰ درصد به‌بالا هستند، وقتی به آنها پول نمی‌دهید خب کار می‌خوابد... . وقتی من این موضوع را به ایشان گفتم بدشان آمد که گفتند اینها باید بروند. این تفکرات مخرب بود. بعد وقتی اینها هست، شما به بچه‌های جنوب می‌گویی ضد توسعه؟

خب این سؤال درخصوص جنوبی‌هاست، نه در مورد میرکاظمی که در جای خودش خیلی هم نقدش کردیم؛ مثلا جنوبی‌ها چرا با IPC موافق نبودند.

خیر مخالفت نکردند، گفتند ما هم طرحی داریم که قابل بررسی است.

قراردادهای اهواز که برای بعد از آی‌پی‌سی است، اما همان‌موقع که بحث آی‌پی‌سی داغ بود، آقای شکرالله‌زاده مخالفت کردند... .

من فکر می‌کنم برخورد خوبی با ایشان در کمیته بازنگری نشد وگرنه خود من شاهد بودم ایشان ساعت‌ها برای کارشناسی این قراردادها وقت گذاشت. ضمن اینکه مخالفت ایشان کاملا فنی بود. یک‌سری آدم‌های مخالف دولت و سیاسی می‌خواستند از این مخالفت‌ها سوءاستفاده کنند که خوشبختانه موفق نشدند... .

اما دلواپس‌ها استفاده‌شان را کردند...

بله، شک ندارم اما این به معنی این نبود که مخالفت بچه‌های اهواز از سر زمین‌زدن نفت و دولت است. یک مخالفت فنی بود که بعدا هم با تدوین مدل اهواز کار به یک سامانی رسید.

یکی از نکات جالب این است که دوستان مخزن‌گرا، به سابقه صدساله مهندسی مخزن جنوب افتخار می‌کنند و این را سرمایه خودشان می‌دانند، از طرفی هم با خارجی‌ها زاویه دارند. خب عمده این سابقه صدساله که متعلق به همان خارجی‌هاست... .

افشار این قدر اذیت نکن (بلند می‌خندد) الان اتفاقا کار سخت‌تر شده است؛ چون چاه‌ها به نمک رسیدند. مثلا درحال‌حاضر چهار عدد از چاه‌های مارون ترش شده است و در آن زمان هرگز چنین اتفاقی رخ نمی‌داد، به دلیل آنکه مخزن جوان بود. به عنوان مثال یکی از چاه‌های ما، یعنی چاه ۲۴ اهواز که سال ۵۳ به تولید رسیده بود، ۲۰ هزار بشکه آن روز تولید داشت، اما درحال‌حاضر دو هزار بشکه تولید دارد. لوله ترکید و بنده رفتم و دیدم که در قسمت بالای لوله به اندازه یک میلی‌متر هم خوردگی نداشت، اما کف آن به دلیل آنکه این دو هزار بشکه تولید به صورت نمکی و آبی شده بود دچار خوردگی شدید شده بود که در نهایت لوله ترکید، اما این چاه در زمان آسکو روزانه ۲۰ هزار بشکه تولید می‌کرد، هیچ مشکلی هم بابت ترکیدگی نداشتند، مگر آنکه به دلیل خراب‌کاری لوله‌ای می‌ترکید یا انفجاری صورت می‌گرفت؛ یعنی افتخار به آن صد سال اگر هست که هست، یک سری توانایی هم خود بچه‌ها دارند و این افتخاری بالاتر است.

این فرسودگی‌ها ناشی از مدیریت غلط ما نبوده است؟

اگر ما وضعیت مالی خوبی داشتیم، این تجهیزات را قطعا تعویض می‌کردیم.

جنوبی‌ها بحث مالی را مطرح نمی‌کنند، آنها می‌گویند که ما خودمان بلدیم و خارجی‌ها را نمی‌خواهیم.

اینها چیزهایی است که همیشه علیه جنوبی‌ها گفته‌اند.

حرف‌هایی است که خود آقای دریس می‌زند. می‌گویند ایشان می‌گوید که خودمان ۳۵ مخزن را بدون خارجی‌ها توسعه دادیم.

بله. اکثرا هم مخازن کوچک بود، اما این را شما بدان که در طول زمان شرایط تولید یک مخزن یا چاه عوض می‌شود، چاهی که روز اول در پارسی روزی صد هزار بشکه می‌داد، الان همان چاه در حدود سه هزار بشکه می‌دهد که آن هم همراه با آب و نمک است.

اگر دست آسکو هم بود همین سه هزار بشکه را می‌داد؟

بله، شک نکنید همین مقدار بود، به دلیل آنکه نفت به انتهای مخزن می‌رسد.

چطور کویت و عربستان و عراق می‌توانند سطح تولیدشان را حفظ کنند؟ ضریب برداشت‌شان را هم بالاتر ببرند؟

در عراق هالیبرتون و شل و شرکت‌های مطرح کار می‌کنند، اما ما در اینجا با توجه به توانی که داریم کار می‌کنیم.

نکته همین‌جاست، وقتی می‌گویند که برویم با خارجی‌ها قرارداد ببندیم به دلیل آن است که توانایی ما محدود است اصلا هم عیب نیست. هر کشوری به‌تنهایی محدودیت دارد. اما تفکر جنوب می‌گوید که ما خودمان انجام می‌دهیم.

خیر این‌گونه نیست، ما اگر ناچار نبودیم سمت شرکت‌هایی مثل پرگَس نمی‌رفتیم، بنابراین ما این تمایل را داریم که برویم سمت شرکت‌های خارجی.

اما مهم‌ترین مخالفت‌ها چه در زمان بای‌بک و چه در زمان IPC از سوی جنوبی‌ها بوده.

در آن زمان تجربه‌ها کمتر بود، اما اکنون این‌گونه نیست و اهل مذاکره هستند، وقتی یک‌سری سیاسی‌ها و مخالفان دولت از مخالفت‌های بچه‌های جنوب خواستند سوءاستفاده کنند، بچه‌ها حواس‌شان را جمع کردند و بازی نخوردند. از این بچه‌ها متخصص‌تر نداریم. در سلامت مالی و اخلاقی اینها هم کسی شک ندارد. یک سری حرف دارند که از سر دلسوزی می‌زنند. تو که خودت با اینها خیلی رفیقی...

در این دوره شیوه تعامل آقای زنگنه هم با جنوبی‌ها گویا متفاوت شده است.

آقای زنگنه شخصیتی دارند که زیر بار حرف زور نمی‌رود، آن موقع هم آقای زنگنه جوان‌تر بودند و هم جنوبی‌ها خیلی جوان‌تر بودند و می‌خواستند زور بگویند و آقای زنگنه زیر بار زور نمی‌رفت که در نتیجه سال ۷۹ مشاجره بین آنها صورت گرفت، درست است که آقای زنگنه اخلاق تندی داشت، اما به گونه‌ای نبود که مثلا شخصی را از اتاقش بیرون کند؛ اما از حرف‌های بی‌منطق خوشش نمی‌آمد، از زمانی که ایشان متوجه شد آنها اهل مذاکره و تبادل نظر هستند، با آنها نشست ماهانه گذاشت. حتی قبل از قضیه IPC هم هر یکی دو ماه یک بار می‌رفتند و با آقای زنگنه و جوادی نشست برگزار می‌کردند و جنوبی‌ها می‌گفتند که آیا ما عوض شدیم یا آقای زنگنه عوض شده که من گفتم مطمئن باشید این آقای زنگنه همان آقای زنگنه سابق است، این شماها هستید که پخته‌تر شدید اکنون رابطه بسیار خوبی و همراه با صمیمیت بین آنها برقرار است و بنده بسیار خرسند هستم از این بابت که قبل از بنده هر مدیرعاملی در مناطق نفت‌خیز بود، درگیر مشاجره این بین بوده، اما اکنون چنین مسائلی وجود ندارد.

عکس: رضا رستمی

خبر

روحانی دستور اجرای برنامه ششم توسعه را صادر کرده است

● **ایرنا:** پایگاه اطلاع‌رسانی دولت اعلام کرد: رئیس‌جمهوری، برنامه پنج‌ساله ششم توسعه را به هیئت دولت ابلاغ کرده است. در خبر این پایگاه که روز یکشنبه منتشر شده، آمده است: لایحه برنامه پنج‌ساله ششم توسعه از سوی دولت به مجلس نهم داده شده بود، اما رسیدگی به این لایحه به مجلس دهم موکول شد و در جریان رسیدگی به این لایحه هم اصلاحات فراوانی در لایحه پیشنهادی دولت انجام شد؛ تا جایی که برخی صاحب‌نظران، برنامه ششم توسعه را عملا طرح مجلس می‌دانستند تا لایحه دولت. با وجود رعایت‌نشدن نکات مهم مورد نظر دولت در تصویب این لایحه، وقتی برنامه ششم تبدیل به قانون و ایرادات آن از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام رفع شد؛ ۲۸ اسفند سال ۱۳۹۵ علی لاریجانی، رئیس مجلس، قانون برنامه ششم را به رئیس‌جمهور ابلاغ کرد و رئیس‌جمهور هم در جلسات هیئت دولت دستور اجرای این قانون را صادر کرد. در این گزارش تاکید شده است: بنابراین اجرای قانون برنامه ششم توسعه طبق روال در دستور کار دستگاه‌های مختلف اجرائی قرار گرفته و جوسازی‌های اخیر هم عموما با اهداف سیاسی انجام می‌شود. پایگاه اطلاع‌رسانی دولت افزود: حسینعلی امیری، معاون پارلمانی رئیس‌جمهور، ۲۵ اردیبهشت امسال با بیان اینکه عنوان عدم اجرای برنامه ششم از سوی روحانی را تکذیب می کنم و این خبر از پایه بی‌اساس و نادرست است، گفت: «به‌هرحال قانون دستپخت انسان‌هاست، ممکن است در اجرا مشکلی داشته باشد، ولی می‌توان با ارسال لایحه به مجلس آن را اصلاح کرد. دولت هیچ مقاومتی در برابر مجلس نشان نداده و نشان هم نخواهد داد. خوشبختانه تعامل قابل قبولی میان دولت و مجلس شورای اسلامی برقرار است و دولت یازدهم کوشید فارغ از نگاه سیاسی نمایندگان رفتار اغنایی داشته باشد». پایگاه اطلاع‌رسانی دولت افزود: امیری با بیان اینکه در دولت یازدهم صدها فقره قانون از سوی رئیس‌جمهور به دستگاه‌های ذی‌ربط ابلاغ شده است، خاطرنشان کرد: «برنامه ششم، طرح نمایندگان مجلس شورای اسلامی بود، اما رئیس‌جمهور در جلسه هیئت دولت دستور اجرای آن را صادر کرد. براین‌اساس مقرر شد اگر این برنامه نیازمند هرگونه دستورالعمل، مصوبه و آیین‌نامه باشد، در جلسات دولت تصویب و برای اجرا به نهادهای ذی‌ربط ابلاغ شود».